پرونده ویژه «فرهیختگان»: بنیاد اوراسیا وابسته به یک نهاد دولت آمریکا در ایران به اسم مدارس آنلاین شبکه‌سازی می‌کند

لانه شبکه‌سازی آمریکا

صادق امامی
دبیرگروه جهان‌شهر

«تحصیل دانش‌آموزان برپایه سند ۲۰۳۰ و ارزش‌های صددرصد آمریکایی» این نه یک آگهی تبلیغاتی در سیستم آموزشی ژاپن یا حتی کره‌جنوبی بلکه واقعیتی است که بر سیستم آموزش‌وپروش ایران سایه افکنده است. اگر تا پیش از این در حوزه آموزش‌وپرورش، نگرانی‌ها معطوف به روند افسارگسیخته «خصوصی‌سازی مدارس» و به‌تبع آن، توسعه «نابرابری‌های اجتماعی» بود، حالا معضل بزرگ‌تر، تربیت دانش‌آموزان- به‌ویژه در مقطع سنی ۱۱ تا ۱۵ ساله- با الگویی است که آمریکایی‌ها تجویز می‌کنند. مرکزیت این آموزش‌ها با بنیاد آمریکایی اوراسیا (Eurasia Foundation) است. این بنیاد با ایجاد مدارس آنلاین آموزش شهروندی (مدرسه آنلاین)، به جای دانش‌آموزان، به‌صورت متمرکز آموزش معلم‌های مدارس دولتی و غیرانتفاعی را دنبال می‌کند تا آنان را به سمت ایجاد شبکه‌های فشار بر حکومت برای «تغییر قوانین کشور» به‌ویژه در حوزه آموزش‌وپرورش هدایت کند و درنهایت بتواند الگوی آموزشی شهروندی در ایران را که «براساس پایبندی به ایدئولوژی دینی» تعریف شده به آموزش «شهروندی دموکراتیک» تبدیل کند. یکی از سندهایی که در این مدارس آموزش داده می‌شود، سند ۲۰۳۰ است که اجازه تدریس آن به دانش‌آموزان به‌صورت رسمی وجود ندارد اما مدارس آنلاین اوراسیا، آن را در قالب «کارگاه سند توسعه پایدار» به معلمان آموزش می‌دهند تا در کلاس درس پیاده‌سازی کنند. در یکی از گزارش‌های بنیاد به‌صراحت آمده است که «بیش از ۷۰ معلم» درحال حاضر مفاهیم دوره‌ای بنیاد اوراسیا را در کلاس‌های درس خود در سراسر ایران «وارد» کرده‌اند. به عبارت ساده‌تر، در این سیستم، «پرداخت حقوق» با آموزش‌وپرورش و «آموزش» با بنیاد اوراسیا و مدارس آنلاینش است. حتی با فرض انطباق کامل آموزش‌های این مدارس با اسناد بالادستی جمهوری اسلامی ایران، باز هم دادن افسار آموزش کشور در دست بنیادی که از آژانس توسعه جهانی ایالات متحده آمریکا (USAID) بودجه می‌گیرد تا به «پیشبرد منافع سیاست خارجی آمریکا در گسترش دموکراسی و بازار آزاد» کمک کند، عاقلانه نبوده و نیست.

سرنخ

یک لوگوی ساده نارنجی‌رنگ که در میانه آن دو کلمه جا خوش کرده؛ یکی کوچک و دیگری بزرگ. کلمه کوچکش «مدرسه» است و بزرگش «پرتو». در بیو صفحه اینستاگرامی‌اش نوشته که «مدرسه آموزشی آنلاین» است که دوره‌های آموزشی را به‌صورت «رایگان» برگزار می‌کند. آخرین مطلبش درباره «سازمان‌های اجتماعی؛ دلایل کامیابی و ناکامی» است. «بررسی رابطه حکمرانی و فساد» و چند مطلب هم درباره سالگرد آنچه که «جنبش مهسا» خوانده می‌شود. مطالب اخیر صفحه بسیار رادیکال است، درست برخلاف مطالب منتشرشده پیش از ناآرامی‌های سال گذشته. توضیحی درباره اینکه این مدرسه متعلق به چه حزب و گروهی است، در صفحه اینستاگرام یافت نمی‌شود. مدرسه سایت اینترنتی هم دارد. در بخش «درباره ما» آمده که «مدرسه ترویج و حمایتگری پرتو» فعالیت خود را با پشتیبانی «موسسه اوراسیا» آغاز کرد. لیست دنبال‌شونده‌های مدرسه پرتو را یک‌به‌یک با تمرکز بر کلمه «مدرسه» دنبال می‌کنم. به مدرسه افروز می‌رسم. برخلاف پرتو، در صفحه افروز مطالب با ملاحظات بیشتری منتشر شده است: «ترویج‌گری برای جامعه سبز»، «آموزش نقد ساختار قدرت و برهم زدن نظم ناعادلانه»، «آداب گفت‌وگو و هنر مخالفت» یا «نسل زد، توسعه ناهمگن و اعتراض‌های مدنی». در سایت افروز آمده که این مدرسه در سال ۱۳۹۱ با پشتیبانی Eurasia Foundation و مشارکت گروهی از فارغ‌التحصیلان ایرانی رشته آموزش از دانشگاه‌های خارج از ایران شکل گرفته است. دو مدرسه آموزشی ذیل بنیاد اوراسیا! نام این موسسه در اینترنت، به گزارشی می‌رساندم که پنج سال قبل با عنوان «بنیاد اوراسیا؛ نفوذ در مدارس و تمرکز سنگین روی آموزش‌وپرورش ایران» نوشته شده است. در گزارش تسنیم، نام دو مدرسه که به اختصار «ف» و «پ» نوشته شده، به چشم می‌آید. احتمالا این مدارس، مدرسه فروغ و پژواک است. هر دو مدرسه توسط پرتو و افروز در اینستاگرام دنبال می‌شوند. نکته جالب اینکه در سایت این مدارس، هیچ نشانه‌ای مبنی بر اینکه از سوی بنیاد اوراسیا تامین مالی می‌شوند، به چشم نمی‌خورد. اما بنیاد اوراسیا چیست و چرا باید برای آموزش در ایران هزینه کند؟

بنیاد اوراسیا چیست؟

براساس تعریف سایت «بنیاد اوراسیا»، این نهاد یک سازمان غیرانتفاعی بین‌المللی است که به تقویت شهروندان برای به دست گرفتن مسئولیت برای موفقیت اقتصادی و مدنی خود می‌پردازد. در سایت این بنیاد که متمرکز بر منطقه غرب آسیا، اروپای شرقی، قفقاز و آسیای میانه است، به‌صراحت آمده که بنیاد اوراسیا از سال ۱۹۹۲، «با دولت ایالات‌متحده آمریکا و دیگر سرمایه‌گذاران خصوصی و عمومی» برای حمایت از پیشرفت جوامع مدنی پرتنش، دولت‌های موثر و باز و مشارکت‌های بین‌المللی از طریق اوراسیا، خاورمیانه و چین مشارکت داشته است. اما در واقعیت، از لحاظ ساختاری بنیاد اوراسیا زیرمجموعه آژانس توسعه بین‌المللی آمریکا (USAID) قرار دارد و علاوه‌بر آن از کمک‌های مالی دولت‌های انگلیس، هلند، فرانسه، سوئد، سازمان‌های دولتی ایالات‌متحده، وزارت دفاع آمریکا و... استفاده می‌کند. اگرچه (USAID) نهاد به‌اصطلاح غیردولتی آمریکایی است اما تحت فرماندهی شورای عالی امنیت ملی آمریکا و نهادهای بالادستی واشنگتن قرار دارد. این نهاد وظیفه دارد با اعطای کمک‌های خارجی به سازمان‌های مردم‌نهاد به «پیشبرد منافع سیاست خارجی آمریکا در گسترش دموکراسی و بازار آزاد» در قبال کشورهای ناهمسو کمک کند. حوزه‌های فعالیت بنیاد اوراسیا در قالب برنامه‌هایی با عناوین جذابی مانند «توانمندسازی زنان، تقویت جامعه مدنی و ترویج مشارکت شهروندی» ترویج می‌شود.

آژانس توسعه جهانی ایالات متحده (USAID) و موسسات وابسته به آن در هر کشور برمبنای یک دستورالعمل مشخص فعالیت می‌کنند. به‌عنوان نمونه در عراق آژانس بر آموزش و تربیت کادر اجرایی و مدیریتی بین مسئولان عراقی متمرکز بوده و توجه کمتری به مقوله‌های عام همچون بهداشت و درمان شده است. از اوایل سال ۱۳۸۰ بنیاد اوراسیا با همکاری موقوفه ملی برای دموکراسی (NED)، هر دو به نمایندگی از وزارت خارجه آمریکا، تلاش داشته تا تحت پوشش اقداماتی همچون «توانمندسازی زنان، تقویت جامعه مدنی و ترویج مشارکت شهروندی» دست به شبکه‌سازی اجتماعی در ایران برای تشکیل گروه‌ها و سازمان‌های مردم‌نهاد همسو با خود با همکاری برخی سازمان‌های ایرانی می‌زند. هدف این بنیاد ایجاد گروه‌های قدرتمند خارج از حاکمیت، برای فراهم کردن زمینه اعمال فشارهای فرهنگی و اجتماعی و تغییر در ساختار سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ایران بوده است. این بنیاد از زمان تاسیس تاکنون اقدامات موثری در راستای بی‌ثبات‌سازی کشورها و دولت‌های ناهمسو با سیاست‌های آمریکا انجام داده است. بر همین اساس نیز روسیه پس از مدتی دفتر بنیاد اوراسیا را بست و خواستار اخراج تمام کارکنان آن از روسیه شد. بعد از سال ۸۸، اوراسیا طرحی را با تمرکز بر «توانمندسازی زنان» با عنوان «برنامه ایران» و با مدیریت «مریم ابوالفضلی» در ایران راه‌اندازی کرد. کمی بعد از این بنیاد اوراسیا در سال ۲۰۱۱ اقدام به تاسیس مدارس آنلاین آموزش شهروندی (مدرسه آنلاین) کرد.

مدارس به روایت اوراسیا

مخاطب مدارس بنیاد اوراسیا چه کسانی هستند و در این دوره‌ها چه داده‌هایی رد و بدل می‌شود؟ پاسخ این سوال را «مریم ابوالفضلی» و «مریم عالمی» در مقاله «ترویج مشارکت شهروندی در مدارس در محیط‌های غیر دموکراتیک: تغییر رویکرد و عملکرد مربیان ایرانی» که به زبان انگلیسی نوشته شده است، داده‌اند. در این مقاله، نویسندگان قصد ارائه کارکردهای یکی از مدارس بنیاد در ایران را دارند اما از انتشار نام آن به بهانه «حفظ حریم خصوصی»! خودداری می‌کنند و برای آن از عبارت «مدرسه آنلاین آموزش شهروندی» یا به‌اختصار مدرسه آنلاین استفاده می‌کنند. آنها به‌صراحت نوشته‌اند که این مدرسه «توسط گروهی از کارکنان ایرانی آژانس توسعه جهانی ایالات متحده (USAID) در واکنش نسبت به ضرورت وجود «رویکردی جایگزین» آموزش شهروندی در ایران تاسیس شده است. نویسندگان، استدلال‌شان این است که ارائه آموزش تجربی در «آموزش شهروندی دموکراتیک» به معلمان در برابر آموزش شهروندی موجود که به اعتقاد نویسندگان براساس «پایبندی نسبت به ایدئولوژی دینی» است وجود دارد. آنها معتقدند که از طریق این مدل نه‌تنها معلمان با «عملکرد شهروند دموکراتیک» آشنا می‌شوند که آنها قادر می‌شوند «تغییراتی را در رفتار و دروس کلاس‌هایشان» خود اعمال کنند و «این درک را به دانش‌آموزان منتقل کنند.» به عبارت دیگر به دلیل ناتوانی در تحمیل این آموزش‌ها از طریق کنوانسیون‌ها و اسنادی همچون ۲۰۳۰ به سیستم آموزشی ایران، این مدارس چراغ خاموش و در سکوت، آموزش معلمان را در دستور کار قرار داده‌اند تا همان اسناد را به‌سادگی در مدارس تدریس کنند.

مدیران مدارس آنلاین در ادامه به ارائه تجربیات یک مدرسه آنلاین و آموزش معلمانی که به دانش‌آموزان سنین ۱۱ تا ۱۵ ساله در ایران آموزش می‌دهند، پرداخته‌اند. این دوره‌ها به‌نحوی طراحی شده‌اند تا منعکس‌کننده روش آموزشی یکسانی باشند که «معلمان تشویق می‌شوند آنها را در کلاس‌های خود اجرا نمایند.» در این دوره‌ها از معلمان خواسته می‌شود که مدل‌های مشارکت دموکراتیک مشابه را در کلاس خود اجرا کنند.

معلم‌ها چگونه انتخاب می‌شوند؟

طبق آنچه نویسندگان مقاله نوشته‌اند معلم‌ها برای شرکت در این دوره‌ها باید یک فرم تقاضای آنلاین را به زبان فارسی کامل کنند. این فرم شامل سوالاتی در زمینه نوع مدرسه خصوصی یا دولتی که در آن تدریس می‌کنند، موضوعاتی که تدریس می‌کنند، گروه سنی دانش‌آموزانی که دارند و سابقه تدریس در زمینه موضوعاتی که دوره‌هایی مدرسه آنلاین ارائه می‌کند، است. در این فرم معلمان باید نشان دهند که چگونه این دوره به آنها کمک خواهد کرد موضوعات را در کلاس مطرح کنند. در این مدرسه در هر دوره معمولا بین ۶۰ الی ۷۰ متقاضی از سراسر کشور برای هر دوره ثبت‌نام می‌کنند. این متقاضیان موضوعات متنوعی از قبیل علوم اجتماعی، علوم و هنر تدریس می‌کنند. کمیته تعداد ۳۰ تا ۳۵ متقاضی برتر را در هر دوره انتخاب کرده و به‌عنوان مشاور دوره، مسئول برنامه مدرسه و کارشناس دوره در نظر می‌گیرد. معیار انتخاب این افراد تمایل نشان‌داده‌شده فرد به این موضوعات، شواهدی که نشان می‌دهد متقاضی نقش فعالی در تدریس دارد و تعهد نسبت به تدریس مفاهیم جدید است.

آنچه برای برگزارکنندگان این دوره اهمیت دارد گستردگی معلمان در سرتاسر کشور است. معلمان شرکت‌کننده در این دوره‌ها از تمام استان‌های ایران بوده و تنوع قومی، مذهبی و اجتماعی در میان آنها وجود داشته و همه آنها با بسترهای کلاس آنلاین سروکار دارند. مدرسه آنلاین در هر دوره متعهد است که اقلیت‌های مذهبی از قبیل سنی و بهایی و معلمانی از نواحی روستایی و محروم را در برگیرد. بیش از ۵۰ درصد معلمان شرکت‌کننده در این دوره‌ها از استان‌هایی غیر از استان تهران (پایتخت ایران) هستند. این افراد از استان‌های گیلان و مازندران در شمال گرفته تا سیستان‌وبلوچستان در جنوب هستند. متقاضیان این دوره از مدارس دولتی و خصوصی هستند که با دانش‌آموزان کارگر و مهاجر سروکار دارند. نکته مهمی که نویسندگان مقاله به آن اشاره می‌کنند، اهمیت شبکه‌سازی معلم‌هایی است که در دوره شرکت می‌کنند: «این دوره‌های آنلاین همچنین شبکه‌ای از معلمان را تشکیل می‌دهد که بعد از اتمام دوره نیز باهم تعامل و همکاری خواهند داشت. برای دسترسی متقاضیانی که اینترنت پرسرعت ندارند این منابع و محتواهای دوره‌ها به‌صورت متن ارائه شده و متقاضی بعد از یک‌بار ورود به سیستم می‌تواند مطالب دوره را دانلود کرده و به‌صورت آفلاین مطالعه کند.»

مهم اجرای آموزش‌ها است

رویکرد مدرسه آنلاین مبتنی بر سه گام است: «۱- آگاهی معلم؛ ۲- سازگاری با زمینه و ۳- اجرای کلاس درس» نخستین گام «ارائه برنامه‌ای در موضوعات آموزشی شهروندی همچون کلیشه‌ها، تنوع، تحمل، برابری و عدالت، حل مساله، و حقوق شهروندی و مسئولیت‌پذیری» است. پس از آن مثلا درمورد کلیشه‌ها از معلمان خواسته می‌شود درمورد شرایطی که علیه آنها تبعیض صورت گرفته است چه به‌صورت اجتماعی یا فرهنگی بنویسند. در گام دوم، «معلمان تشویق می‌شوند تا بازی‌ها و فعالیت‌ها را برای قابل اجرا شدن در شرایط کلاس خودشان بازطراحی کنند.» و در گام سوم زمانی است که «معلم‌ها فعالیت‌های جدید را در کلاس‌هایشان اجرا می‌کنند.» پس از اجرا آنها موظفند فعالیت‌هایی را که در کلاس‌هایشان اجرا کرده‌اند با جزئیات گزارش دهند و بررسی و ارزیابی خود درمورد آنها را به اشتراک بگذارند. نویسندگان مقاله در پایان آن چنین نتیجه‌گیری کرده‌اند که این امکان وجود دارد که فعالیت‌های کلاسی که جامعه را به سمت یک جامعه غیردموکراتیک! سوق می‌دهد را به سمت‌وسویی پیش برد که شهروندانی تربیت شوند که نویسندگان آنها را نکته‌سنج، مستقل و متعهد می‌خوانند.

اثرگذاری هر معلم بر ۵۰ دانش‌آموز

یکی از توجیهات دولت‌ها برای توسعه مدارس خصوصی، هزینه‌های بسیار سنگین آموزش‌وپرورش است. این رویکرد درحالی اتخاذ شده است که حتی در برخی کشورهای لیبرال، آموزش‌وپرورش یا خصوصی نمی‌شود یا آخرین نهادی است که خصوصی می‌شود. آمارها نشان می‌دهد در کشور حدود ۱۰ تا ۱۵ درصد مدارس خصوصی هستند. این آمار در تهران بیش از ۲۰ درصد است. سهم ۸۰ یا ۹۰ درصدی مدارس دولتی در حوزه آموزش نشان می‌دهد که هنوز هم بخش قابل توجهی از درآمدهای در آموزش‌وپرورش هزینه می‌شود. با وجود این هزینه‌ها اما عدم پیوند معلم با آموزش‌وپرورش و عدم آموزش‌های کاربردی به معلم‌ها برای فراگیری شیوه‌های نوین تدریس، آنها را به سمت مدارس آنلاینی هدایت کرده که توسط دولت متخاصم آمریکا ایجاد شده است. در بسیاری از ساختارها، موسسات و سمن‌هایی که در پس آن دولت‌های غربی ایستاده‌اند، کنشگران آموزش می‌بینند تا به‌صورت فردی یا حتی جمعی اقداماتی را پیگیری کنند. به‌عنوان نمونه یک کنشگر با تصمیم‌گیران یا تصمیم‌سازان ارتباط می‌گیرد تا از این طریق بتواند قوانین را اصلاح کند یا تغییر دهد. بنیاد اوراسیا و مدارس چندگانه‌اش، یک تفاوت ماهیتی با سایر موسسات دارد و آن تمرکز بر معلم‌ها و مربی‌هاست که قدرت «انتقال‌دهندگی» بسیار بالای پیام را دارند. به‌طور متوسط، هر معلم بر ۳۰ تا ۵۰ دانش‌آموز تاثیرگذاری دارد. براساس آنچه مدیران بنیاد می‌گویند آنها در دوره‌های آموزشی به گستردگی شرکت‌کنندگان در سرتاسر کشور و همچنین اقلیت‌های قومی، مذهبی و معلولان توجه می‌کنند. به‌طور حتم در این آموزش‌ها، آنها بر استان‌های مرزی که مسائل قومیتی و اقلیتی در آن زیاد به چشم می‌خورد و بستر آموزشی در آن کم‌رنگ است، متمرکزند. در این قالب، یکی از اصلی‌ترین اسناد یعنی ۲۰۳۰ که غربی‌ها بسیار به‌دنبال اجرای آن در آموزش‌وپرورش بودند، درحال پیاده‌سازی در مدارس توسط معلمانی است که در این دوره‌ها شرکت کرده‌اند. مدارس آنلاین به‌دنبال زدودن کتب درسی از هر آن چیزی هستند که رنگ خدا داشته باشد. از مریم ابوالفضلی نقل شده که گفته: «آموزش‌وپرورش دین و زندگی، قرآن و هدیه‌های آسمانی دارد؛ ما هم باید دربرابر این کتاب‌ها کتاب‌های خودمان را داشته باشیم.»

تدابیر امنیتی مشکوک

تا پیش از ناآرامی‌ها در ایران، این مدارس به‌صورت کاملا حرفه‌ای و مرموزانه، الگوی آموزش خود را به شرکت‌کنندگان دوره که غالبا معلم بودند، تحمیل می‌کردند. دعوت کردن اساتید صاحب‌نام خارجی در کلاس‌ها و بازتاب روش‌های پیاده‌شده در کلاس، معلم‌ها را در تداوم آموزش از طریق این مدارس که ظاهرا نیز فاقد مشکل خاصی بودند، مصمم‌تر می‌کرد. اما از پاییز سال گذشته و با تغییر فاز مدارس به براندازی، رویکرد این مدارس و مسیری که برای آموزش و پرورش در ایران طراحی کرده‌اند، واضح شد. اکنون هریک از شرکت‌کنندگان با رویکرد این مدارس آشناست، حتی اگر چنین هم نباشد، کلاس‌های مختلف آموزشی در حوزه بالا بردن تدابیر امنیتی در فضای سایبر، این پرسش را به‌وجود می‌آورد که مگر چه مطالبی قرار است آموزش داده شود که اعضا برای آن باید چگونگی استفاده از ابزارهای امن را بیاموزند و ایمیل خود را دومرحله‌ای کنند و هر از چندگاهی رمز ورود به سایت را تغییر دهند؟ افراد شرکت‌کننده در دوره‌ها حتی برای استفاده از اپلیکیشن‌های موبایلی دستورالعمل‌های خاصی دارند و در مواقعی نیز ابزارهایی چون فلش‌های خاص در اختیارشان قرار می‌گیرد تا از طریق آن بتوانند در دوره شرکت کنند. در دوره‌های مدارس، به شرکت‌کننده‌ها پیشنهاد می‌شود که با ایمیل و نام مستعار در جلسه حاضر شوند؛ از محتوای جلسات عکس و فیلم نگیرند و صوتی نیز منتشر نکنند. آنها همچنین موظف شده‌اند که با هویت واقعی با یکدیگر ارتباط نگیرند تا درصورت به خطر افتادن یک نفر، سایر افراد دچار مشکل نشوند. مجموع این شرایط است که باید شرکت‌کنندگان در دوره‌های مدارس بنیاد اوراسیا را نسبت به آنچه درحال فراگیری‌اش هستند، هوشیار کند.

ادامه در صفحه ۷

مدارس آنلاین؛ از نفوذ تا براندازی

بنیاد اوراسیا مدرسه آنلاین برای آموزش مدنی را در سال ۲۰۱۱ راه‌اندازی کرد تا الگوهای مدنظر خود را از طریق معلم‌ها، به دانش‌آموزان انتقال دهند. بر این اساس چهار مدرسه «پرتو، افروز، پژواک و فروغ» با حوزه‌های کاری متفاوت تاسیس شده است. اگرچه مدارس در حوزه‌های مختلف فعالیت می‌کنند اما به‌شکلی دال‌مرکزی همه آنها، مسائل جنسیتی و مسائل حوزه زنان است. مدرسه پرتو در حوزه ترویج مسائل اجتماعی، افروز در حوزه تربیت کودک و ترویج‌گر، پژواک در حوزه تربیت معلم و ترویج‌گر و فروغ در حوزه تربیت ترویج‌گر درباره آزار جنسی و خشونت‌های جنسیتی فعالیت می‌کند. این مدرسه که به تازگی افتتاح شده است، تلاش می‌کند تا این گزاره که خشونت علیه زنان سیستماتیک است را جا بیندازد. بررسی مطالب معدود منتشر شده این مدارس نشان می‌دهد اولویت‌های آنها «شبکه‌سازی و هدایت برای اقدام مشترک»، «تبدیل شدن به منبع و مرجع آموزشی و فعالیت اجتماعی»، «تربیت آموزش‌گر و ترویج‌گر از جنس نظام غربی جهت تربیت نسل آینده»، «پیاده‌سازی مفاهیم اسناد بین‌المللی» و «تغییر در فرآیندها و اثرگذاری بر تصمیم‌سازان» بوده است. این تشکیلات با استفاده از گروه‌سازی و شبکه‌سازی از طریق برگزاری دوره‌ها، پروژه‌هایش را پیش می‌برد. بررسی مطالب این مدارس در فضای مجازی به‌سادگی نشان می‌دهد که ادبیات آنها از سال گذشته و کمی بعد از ناآرامی‌ها، از کلی‌گویی و تسهیلگری به براندازی تغییر کرده است. به عبارت دیگر، اگر تا پیش از ۱۴۰۱ این مدارس دنبال نفوذ و تحرک در تصمیم‌سازی و تغییر قوانین بودند، پس از آن، آموزه‌های مقاومت مدنی و اغتشاش و تقابل با حاکمیت را پی گرفتند.

در حال حاضر باتوجه به دوره‌هایی که در طول سال‌های اخیر برگزار شده است، برخی معلمان و کنشگران تحت تعلیم، در حال به پایان رساندن دوره‌های این مدارس و تشکیل «باشگاه دانش‌آموختگان» و تدریس همین مطالب به معلمان و کنشگران اجتماعی در داخل کشور هستند. برای درک بهتر مسیری که این مدارس در قالب آموزش معلمان و کنشگران طی می‌کنند، به بررسی مطالب دو مدرسه پرتو و پژواک پرداخته شده است.

مدرسه پرتو

در سایت این مدرسه، پرتو یک مدرسه آنلاین در زمینه ترویج و حمایتگری معرفی شده است. این مدرسه که نخستین دوره‌های آموزشی خود را در سال ۱۳۸۹ آغاز کرد، در سال ۹۱ با جمع‌بندی خلأ آموزشی در ایران تصمیم می‌گیرد بر موضوع ترویج و حمایتگری تمرکز بیشتری داشته باشد. علی‌رغم جملات تاثیرگذار در معرفی این مدرسه، با ورود به سایت آن، گزاره‌های مشکوک به چشم می‌آید. به‌عنوان نمونه به شرکت‌کنندگان گفته شده که برای افزایش ضریب امنیت کاربران، در وبسایت تغییراتی انجام شده است و از همین رو از آنها خواسته شده تا پسوردشان را تغییر دهند و با پسورد جدید وارد فضای آموزشی شوند. پرتو در اینستاگرام نیز فعال است. در جریان ناآرامی‌های سال گذشته، پرتو تلاش داشت بسیار هوشیارانه عمل کند و از ورود زودهنگام به این اعتراضات خودداری کند. بر همین اساس نیز نخستین پست در این باره را اول مهرماه یعنی تقریبا یک هفته پس از اعتراضات منتشر کرد. این پست یک نماهنگ کوتاه با شعار زن، زندگی، آزادی بود. با وجود شدت گرفتن اعتراضات در ایران، پرتو هیچ تحرک عجیبی نداشت تا ۱۱ مهر که مطلبی با عنوان «چرا دولت‌ها مجاز به اعمال خشونت در برابر معترضان نیستند؟» را منتشر کرد. در ۲۰ آبان، به «آسیب‌های روانی در بحران‌های اجتماعی و راهکارهای بهبود آن» پرداخت و ۱۰ روز بعد نیز در وبیناری به «بررسی راهکارهای محافظت از سلامت روان در دوران ناآرامی‌های سیاسی-اجتماعی». با توسعه ناآرامی‌ها در ایران و حرکت آن به سمت اقدامات تروریستی، پرتو نیز تغییر فاز داد و راهکارهایی برای براندازی در پیش گرفت. این مدرسه در ۱۴ آذر پستی با عنوان «مقاومت مدنی چیست و چگونه به پیروزی جنبش‌ها کمک می‌کند؟» منتشر کرد و در آن جنبش تحریم تنباکو را یک جنبش مدنی برای تحمیل هزینه‌های غیرقابل تحمل به حکومت خواند و تلویحا تاکتیک‌های مقاومت مدنی از جمله تظاهرات، اعتصابات، تحریم بخش اقتصادی قدرت، نافرمانی مدنی و زیر سوال بردن مشروعیت حکومت را برای معترضان تئوریزه کرد تا بتوانند با تحمیل هزینه‌هایی غیرقابل جبران به حکومت، موفقیت جنبش را تضمین کنند. پرتو از عقب‌نشینی حکومت در پی خودداری دانش‌آموزان و دانشجویان از حضور بر سر کلاس‌ها، اعتصاب کارگران، فلج شدن سیستم حمل‌ونقل عمومی و سرپیچی گسترده مردم گفته و نوشته هر سه اصل مهم مقاومت مدنی (فراگیری، ایجاد شکاف در بین نیروهای حکومت و ایجاد هزینه‌های سنگین برای حکومت) نیازمند برنامه‌ریزی استراتژیک و تاکتیک‌های هماهنگ خلاقانه و متنوع است.

پس از فروکش کردن فضا در ایران، این مدرسه همان مسیر سابق را در پی گرفت. بررسی اکانت اینستاگرامی پرتو نشان می‌دهد که در بازه ۲۰ تا ۲۷ سپتامبر سال جاری، شش مطلب در سالگرد فوت مهسا امینی با موضوع «تاثیرات جنبش زن، زندگی، آزادی بر کنشگری مدنی در ایران چه بوده است؟» منتشر کرده است. در یکی از این مطالب، مرگ مهسا امینی را جنایت خوانده و با اشاره به جنبش زن زندگی آزادی نوشته که این جنبش بیش از هر چیز نیاز جامعه ایرانی به کنشگری هدفمند را چه در عرصه سیاست و چه از جنبه‌های فرهنگی و اجتماعی آشکار کرد. در این مطالب، این مدرسه که همواره تلاش می‌کرده از خود تصویری آکادمیک و آموزشی ارائه دهد، به سمت ادبیات گروهک تروریستی منافقین میل کرده و از عباراتی همچون «شکسته شدن ابهت پرهیاهوی استبداد دینی»، «پنهان شدن حکومت پشت زره نظامی» استفاده کرده است.

پرتو ۲۳ سپتامبر در مطلبی اقدام به تئوریزه کردن شورش کرده است: «ایجاد تغییرات اجتماعی و تلاش برای پیروزی، مستلزم همکاری همه نقش‌های کنشگری مدنی اعم از نقش شهروند مسئول، نقش شورشی، نقش کارگزار تغییر و نقش مصلح اجتماعی است.» در مطلبی دیگر اکنون که خبری از ناآرامی‌ها و اقدامات تروریستی نیست، پرتو به آموزش راهکارهای غلبه بر مقاومت در برابر تغییر سیستم پرداخته است: «بنابراین پیش از طرح مطالبه تغییر در هر سطحی به مقاومت‌های احتمالی فکر کنید، افراد یا نهادهایی که ممکن است در برابر ایده تغییر مقاومت کنند را شناسایی کنید؛ سطح مقاومت آنها را بسنجید و برای کنترل، کاهش و رفع مقاومت آنها برنامه هدفمند طراحی کنید. مهم این است که بدانید هر تغییر با مقاومت همراه است و هر مقاومتی شکستنی است، فقط باید استراتژی طرح و برنامه هوشمند داشته باشید.»

مدرسه پژواک

این مدرسه نیز بنای خود را ماحصل هم‌فکری گروهی از معلم‌ترویج‌گران، فعالان حقوق معلمان و آموزشگران ایرانی خوانده که از نقاط مختلف دنیا گرد هم آمده‌اند و یک موسسه آموزشی آنلاین بنا نهاده‌اند. ادبیات این موسسه نیز در میانه اعتراضات به‌طور کامل تغییر پیدا کرد و به سمت براندازی سوق پیدا کرد. به‌عنوان نمونه در ۱۴ آذرماه این مدرسه وبینار دوروزه (هر روز دو جلسه) با عنوان «معلمان و کنشگری دانش‌آموزی» را به بهانه وضعیت موجود و شرایط پیش‌آمده در کشور برگزار کرد. این مدرسه در قالب برگزاری «کارگاه امنیتی دیجیتال و حفظ حریم شخصی»، آموزش‌هایی که به نظر می‌رسد برای بالا بردن ضریب امنیتی این دوره‌ها طراحی شده است را همچون مدیریت و ابزارهای حفاظت از رمز عبور؛ حفظ حریم شخصی در شبکه‌های اجتماعی و فضاهای عمومی آنلاین، امنیت اپلیکیشن‌های پیام‌رسان و معرفی پیام‌رسان‌های امن آموزش داده است.

نیمه اول آبان ۱۴۰۱، پژواک کارگاه بررسی حقوق دانش‌آموزان در اعتراضات اجتماعی را ارائه داد. در پیج اینستاگرامی این مدرسه، گزیده ۱۴ دقیقه‌ای از این کارگاه منتشر شده است. سخنران این کارگاه در این بخش تلاش می‌کند به این پرسش پاسخ دهد که «آیا کودکان (افراد کمتر از ۱۸ سال) می‌توانند در اعتراضات شرکت کنند؟ آیا تشویق‌شان به شرکت در اعتراضات خشونت تلقی می‌شود؟» او بلافاصله پس از طرح این پرسش، حکومت را به سوءاستفاده سیاسی و نظامی از کودکان متهم می‌کند و در توضیح آن «کتب دفاعی، شرکت در آموزش‌های نظامی و بسیج دانش‌آموزی» را به نوعی «تشویق به خشونت» می‌خواند. ارائه‌دهنده کارگاه حضور در جنگ یا محیط خشونت‌آمیز را به خطر انداختن سلامت کودکان می‌داند ولی با این حال، حضور کودکان در تجمعات خشونت‌آمیز را به شکل عجیبی توجیه می‌کند: «اگر کودک خودش تصمیم‌گیری کند، کودکی که در سنینی است که می‌تواند تشخیص دهد که حق ابراز و بیان عقیده داشته باشد- چون کودک می‌تواند برای خودش جایگاه حقوقی در نظر بگیرد و داشته باشد زیرا کودکان‌مان از سنین ۱۲ سال به بالا می‌توانند موضوعات اجتماعی را درک کنند- حق دارند جست‌وجو کنند.» در ۱۴ و ۱۵ آذرماه یعنی در کوران ناآرامی‌های ایران، پژواک سمیناری با عنوان «معلمان و کنشگری دانش‌آموزی» برگزار کرد تا در خلال آن به نمونه‌های موفق کنشگری دانش‌آموزی بپردازد.

مطالب منتشرشده در صفحات اینستاگرامی مدارس بنیاد اوراسیا

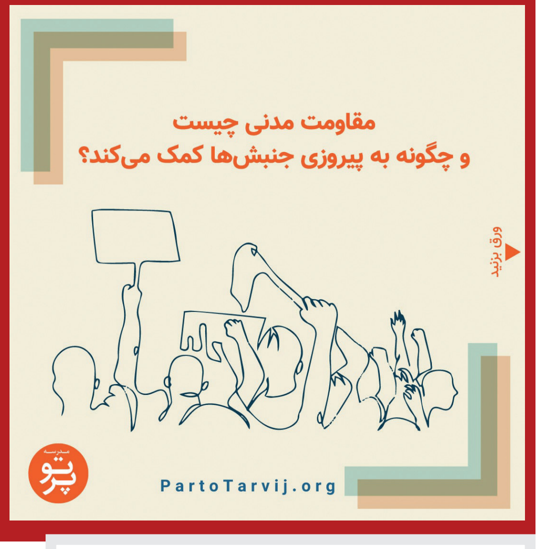

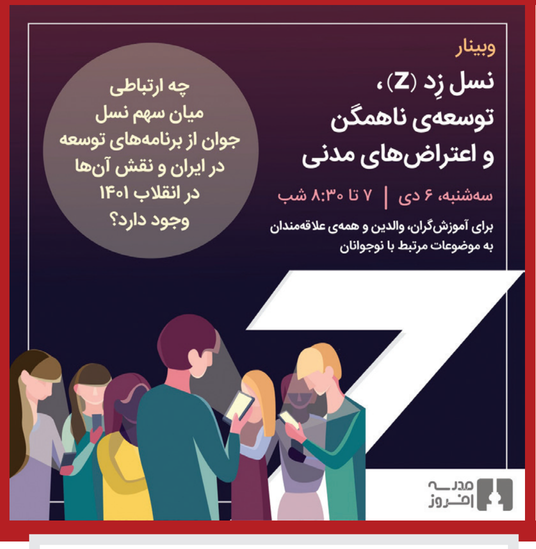

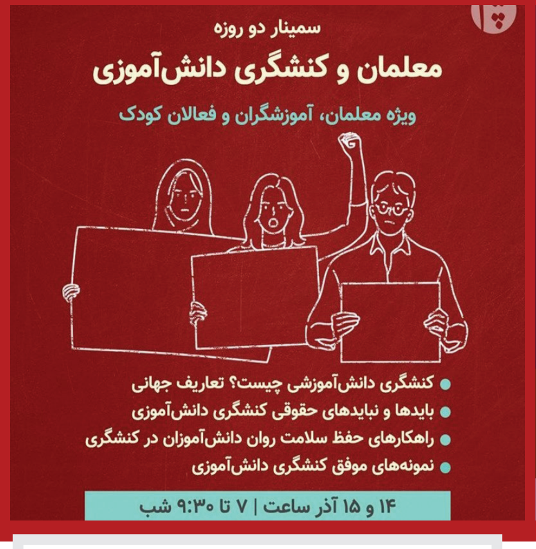

سمینار دو روزه
معلمان و کنشگری دانش‌آموزی
ویژه معلمان، آموزشگران و فعالان کودک
کنشگری دانش‌آموزی چیست؟ تعاریف جهانی
بایدها و نبایدهای حقوقی کنشگری دانش‌آموزی
راهکارهای حفظ سلامت روان دانش‌آموزان در کنشگری
نمونه‌های موفق کنشگری دانش‌آموزی
۱۴ و ۱۵ آذر ساعت | ۷ تا ۹:۳۰ شب

صورت مالی سالانه بنیاد اوراسیا

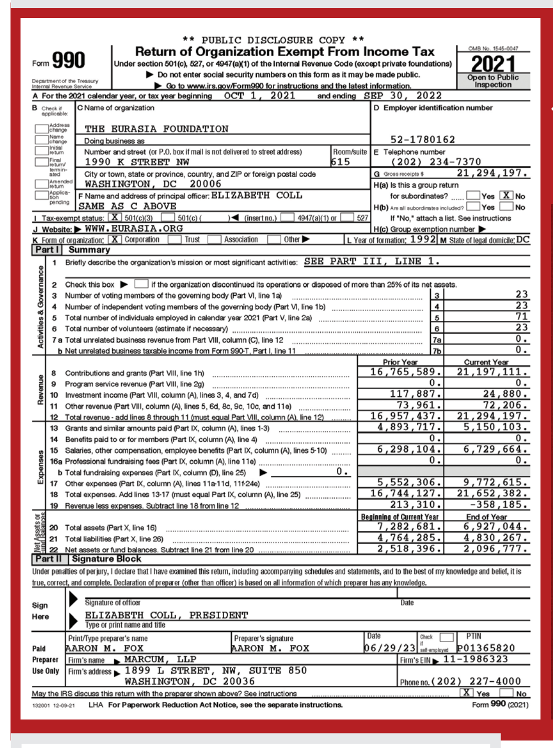

** PUBLIC DISCLOSURE COPY **

Form 990 — Return of Organization Exempt From Income Tax — 2021
Under section 501(c), 527, or 4947(a)(1) of the Internal Revenue Code (except private foundations)
▶ Do not enter social security numbers on this form as it may be made public.
▶ Go to www.irs.gov/Form990 for instructions and the latest information.
OMB No. 1545-0047 — Open to Public Inspection
Department of the Treasury Internal Revenue Service

A For the 2021 calendar year, or tax year beginning OCT 1, 2021 and ending SEP 30, 2022
C Name of organization: THE EURASIA FOUNDATION
D Employer identification number: 52-1780162
Number and street: 1990 K STREET NW — Room/suite: 615
E Telephone number: (202) 234-7370
City or town, state or province, country, and ZIP or foreign postal code: WASHINGTON, DC 20006
G Gross receipts $ 21,294,197.
F Name and address of principal officer: ELIZABETH COLL, SAME AS C ABOVE
H(a) Is this a group return for subordinates? ☐ Yes ☒ No
H(b) Are all subordinates included? ☐ Yes ☐ No
I Tax-exempt status: ☒ 501(c)(3) ☐ 501(c) ( ) ◀ (insert no.) ☐ 4947(a)(1) or ☐ 527
J Website: ▶ WWW.EURASIA.ORG
K Form of organization: ☒ Corporation ☐ Trust ☐ Association ☐ Other ▶
L Year of formation: 1992 — M State of legal domicile: DC

Part I Summary
1 Briefly describe the organization's mission or most significant activities: SEE PART III, LINE 1.
2 Check this box ▶ ☐ if the organization discontinued its operations or disposed of more than 25% of its net assets.

3	Number of voting members of the governing body (Part VI, line 1a)	3	23
4	Number of independent voting members of the governing body (Part VI, line 1b)	4	23
5	Total number of individuals employed in calendar year 2021 (Part V, line 2a)	5	71
6	Total number of volunteers (estimate if necessary)	6	23
7a	Total unrelated business revenue from Part VIII, column (C), line 12	7a	0.
b	Net unrelated business taxable income from Form 990-T, Part I, line 11	7b	0.

		Prior Year	Current Year
8	Contributions and grants (Part VIII, line 1h)	16,765,589.	21,197,111.
9	Program service revenue (Part VIII, line 2g)	0.	0.
10	Investment income (Part VIII, column (A), lines 3, 4, and 7d)	117,887.	24,880.
11	Other revenue (Part VIII, column (A), lines 5, 6d, 8c, 9c, 10c, and 11e)	73,961.	72,206.
12	Total revenue - add lines 8 through 11 (must equal Part VIII, column (A), line 12)	16,957,437.	21,294,197.
13	Grants and similar amounts paid (Part IX, column (A), lines 1-3)	4,893,717.	5,150,103.
14	Benefits paid to or for members (Part IX, column (A), line 4)	0.	0.
15	Salaries, other compensation, employee benefits (Part IX, column (A), lines 5-10)	6,298,104.	6,729,664.
16a	Professional fundraising fees (Part IX, column (A), line 11e)	0.	0.
b	Total fundraising expenses (Part IX, column (D), line 25) ▶ 0.		
17	Other expenses (Part IX, column (A), lines 11a-11d, 11f-24e)	5,552,306.	9,772,615.
18	Total expenses. Add lines 13-17 (must equal Part IX, column (A), line 25)	16,744,127.	21,652,382.
19	Revenue less expenses. Subtract line 18 from line 12	213,310.	-358,185.
		Beginning of Current Year	End of Year
20	Total assets (Part X, line 16)	7,282,681.	6,927,044.
21	Total liabilities (Part X, line 26)	4,764,285.	4,830,267.
22	Net assets or fund balances. Subtract line 21 from line 20	2,518,396.	2,096,777.

Part II Signature Block
Under penalties of perjury, I declare that I have examined this return, including accompanying schedules and statements, and to the best of my knowledge and belief, it is true, correct, and complete. Declaration of preparer (other than officer) is based on all information of which preparer has any knowledge.
Sign Here — Signature of officer — Date
ELIZABETH COLL, PRESIDENT
Type or print name and title
Paid Preparer Use Only — Print/Type preparer's name: AARON M. FOX — Preparer's signature: AARON M. FOX — Date: 06/29/23 — Check ☐ if self-employed — PTIN: P01365820
Firm's name ▶ MARCUM, LLP — Firm's EIN ▶ 11-1986323
Firm's address ▶ 1899 L STREET, NW, SUITE 850, WASHINGTON, DC 20036 — Phone no. (202) 227-4000
May the IRS discuss this return with the preparer shown above? See instructions ☒ Yes ☐ No
132001 12-09-21 LHA For Paperwork Reduction Act Notice, see the separate instructions. Form 990 (2021)

مدیران ایرانی بنیاد اوراسیا

سارا شیرزاد

سارا شیرزاد، مدیر ارشد بخش راه‌حل‌های آموزشی نوآورانه بنیاد اوراسیاست که در این بنیاد توسعه و اجرای برنامه‌های آموزشی مبتنی بر فناوری مناسب برای مکان‌هایی با پهنای باند و دسترسی محدود را مدیریت می‌کند. او لیسانس مدیریت بازرگانی از دانشگاه تهران دارد و یکی از دو زن ایرانی است که در سال ۲۰۰۲ برای دریافت مدرک فوق‌لیسانس، بورسیه Chevening را با هدف توسعه رهبران، تاثیرگذاران و تصمیم‌گیرندگان جهانی از شورای بریتانیا دریافت کرد. شیرزاد پیش از پیوستن به EF در سال ۲۰۱۲ یکی از بنیانگذاران و مدیرعامل یک شرکت مشاوره استخدام، ارزیابی و آموزش کار می‌کرد، جایی که او پروژه‌های مشاوره منابع انسانی را برای شرکت‌های پیشرو در صنعت مانند Danone، GlaxoSmithKline، Unilever و همچنین سازمان‌های بین‌المللی مانند یونیسف مدیریت می‌کرد. او مسلط به زبان‌های فارسی، انگلیسی و عربی است و هم‌اکنون در آمریکا زندگی می‌کند.

سارا اُمتعلی

یکی از زنانی است که به جنبش موسوم به «می‌تو» (آزار جنسی) پیوست. او نخستین روزنامه‌نگار زنی است که باعث مطرح شدن جنبش در ایران شد. امتعلی شهریور ۱۳۹۹ در حساب توییتر خود ادعا کرد زمانی که خبرنگار بود، از سوی یک هنرمند مشهور مورد آزار جنسی قرار گرفت. او سال گذشته در جریان ناآرامی‌های ایران، در توییتر، اینستاگرام و فیسبوک یکسری تصویرنوشته با عنوان «توصیه‌های حقوقی برای معترضان در ایران» منتشر کرد. امتعلی از ۲۰۱۵ با مدرسه آنلاین افروز در ارتباط بوده است. مقاله «عذرخواهی، نقطه و دیگر هیچ» وی در وب‌سایت این مرکز منتشر شد. مدرسه افروز در توضیح پست اینستاگرامی گفت‌وگوی آنلاین «توصیه‌های حقوقی برای معترضان در ایران» از امتعلی به‌عنوان یکی از همکارانش نام برده بود. در این بسته، نکات ضروری، مهم و اطلاعات حقوقی که لازم است شرکت‌کنندگان در اعتراضات به آن مسلط باشند، یک‌جا گرد آورده شده است. امتعلی یکی از کنشگران معرفی‌شده توسط آکادمی چراغ است. آکادمی چراغ اولین پلتفرم آموزشی آنلاین است که منحصرا بر آزار و اذیت جنسی در محل کار در ایران متمرکز است.

مریم ابوالفضلی

داستان‌نویس، مربی، مشاور طراحی استراتژی تاثیر اجتماعی ایرانی آمریکایی و مدیر خاورمیانه و شمال آفریقا (MENA) در بنیاد اوراسیاست. وی هنگامی که مدیر منا در بنیاد اوراسیا بود، آموزش‌های آنلاین و برنامه‌های اجتماعی آنلاین را برای کارآفرینان اجتماعی، زنان کارآفرین، معلمان، حقوقدانان و مدیران جوان در خاورمیانه طراحی و اجرا می‌کرد. خانم ابوالفضلی قبل از پیوستن به بنیاد اوراسیا، در بانک جهانی زیرساخت‌های کمک در آفریقا را مورد تحقیق قرار می‌داد و به‌عنوان معاون وزیر آبیاری، منابع آب و محیط زیست افغانستان خدمت می‌کرد. در فضای مجازی، خبری درخصوص سفر وی به ایران در سال ۱۳۸۳ منتشر شده که در آن ابوالفضلی به آداب و رسوم، مذهب و پایبندی مردم و علاقه به نظام جمهوری اسلامی و پوشش حجاب خویشاوندانش اشاره می‌کند. او یکی از شرکت‌کنندگان نشست «رویداد آینده GGP: چشم‌انداز برابری جنسیتی در ایران در دوران ریاست جمهوری روحانی» توسط موسسه مطالعات خاورمیانه بوده است. او یکی از سخنرانان «بیل ماینز پانل» درباره موضوع زنان در سال ۲۰۱۳ بود.

هنگامه احمدی خلیل‌آباد

مدیر پروژه مدرسه کارآفرینی اجتماعی پرتو در واشنگتن ناحیه کلمبیا و یک ایرانی-آمریکایی است که با نام «انجی احمدی» فعالیت می‌کند. شرکت حقوقی Covington&BurlingLLP، که برای پناهجویان بهایی ایرانی پناهندگی می‌گیرد، برای احمدی به‌عنوان یکی از اعضای بهائیت و یک فعال دموکراسی‌خواه، پناهندگی گرفته است. پرونده احمدی به یک افسر پناهندگی در آرلینگتون ویرجینیا ارائه و پناهندگی به او اعطا شد. نامبرده در سال ۲۰۰۴ دین خود را از اسلام به بهائیت تغییر داد. وی در دوران دانشجویی‌اش در دانشگاه امیرکبیر، در جنبش دموکراسی‌خواه فعال بود و در سازماندهی تحصن‌ها نقش فعالی داشت. احمدی که در ایران رشته کامپیوتر خوانده بود، در بهار ۲۰۱۰ توانست بورسیه تحصیلی در مقطع کارشناسی ارشد در انگلستان را اخذ کند و پس از پایان کارشناسی ارشد در رشته روابط بین‌الملل در لندن، برای دوره کارآموزی در موسسه خاورمیانه در واشنگتن دی‌سی در دسامبر ۲۰۱۱ به ایالات متحده سفر کرد. در آنجا سراغ اقتصاد رفت و کارشناسی ارشد دکتری اقتصاد از دانشگاه آمریکایی واشنگتن دی‌سی گرفت.

ادامه از صفحه ۲